**از قبل شناخته شده، از پیش معین گشته، و به شباهت مسیح درآمده**

رومیان ۸:‏۲۸-‏۳۰

و می‌دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند؛ و به حسب ارادۀ او خوانده شده‌اند، همۀ چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند. زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند، تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد؛ و آنانی را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند؛ و آنانی را که خواند، ایشان را نیز عادل گردانید؛ و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد.

ما سه موعظه از کلام خدا را به رسالۀ باشکوه رومیان ۸:‏۲۸ اختصاص دادیم («و می‌دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند؛ و به حسب ارادۀ او خوانده شده‌اند، همۀ چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند.»)؛ و گفتیم که رومیان ۸:‏۲۸، جزیی از دلیل و برهانی است که پولس در خصوص رومیان ۸:‏۱۸ ارائه می‌دهد، «یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر، نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد، هیچ است.» به بیانی دیگر، از آنجا که همه‌چیز، حتی رنجها و سختیها قرار است همگی با هم برای خیریت ما در کار باشند، پس آن رنجها و زحمتها قابل تحمل بوده، و می‌توان آنها را تاب آورد.

حال به آیۀ بعدی (۲۹) توجه کرده، که با واژۀ «زیرا» آغاز می‌گردد؛ و در اینجاست که به شالوده و زیربنای محکم گفتۀ پولس می‌رسیم، که همانا ستون و پایۀ وعدۀ او در آیۀ ۲۸ می‌باشد؛ یعنی حقیقت و واقعیتی که این گفته را استوار نگاه داشته و از فرو ریختن آن جلوگیری کرده، و مانع از آن می‌شود که ما نیز به همراه آن سقوط نماییم.

پولس می‌گوید می‌دانیم که همۀ چیزها؛ چه تلخ و چه شیرین، برای خیریت ما در کار می‌باشند (آیۀ ۲۸)، «زیرا»؛ آیۀ ۲۹ با واژۀ «زیرا» آغاز می‌شود؛ که شالوده و زیربنای آیۀ ۲۸ می‌باشد. «زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند، تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد.» این آیه، به سه کار عظیم خدا اشاره نموده، که قرار است امروز بر آنها تمرکز نماییم. سه عملی که خدا آنها را به انجام رسانیده، تا به شما اطمینان بیشتری بخشد که همه‌چیز با هم برای خیریت شما در کار است؛ و همۀ رنج و زحمت این زندگی، نسبت به آن جلالی که ظاهر خواهد شد، هیچ است (۸:‏۱۷).

آن سه عملکردِ خدا را در این عبارات مشاهده می‌نماییم: ۱) «از قبل شناخت» ۲) «پیش معین فرمود»؛ و ۳) «به صورت مسیح متشکل گردیم». ما یقین داریم که همه‌چیز با هم برای خیریت ما در کار است، زیرا خدا ما را از قبل شناخت، از پیش معین فرمود؛ و ما را به شباهت مسیح تبدیل می‌سازد. دو مورد از این سه عمل، به زمان گذشته بازمی‌گردد (ما را از قبل شناخت؛ و از پیش معین فرمود)؛ ولی یکی از آنها مربوط به زمان حال و آینده است (ما را به صورت مسیح متشکل می‌سازد).

من همین الان می‌توانم حدس بزنم که برخی از شما دست‌کم به دو دلیل می‌گویید به این موضوع علاقه‌ای ندارید. برخی از شما شاید چنین بگویید: «بی‌تعارف! واقعاً برای من مهم نیست که در گذشته‌های دور، چه تصمیماتی گرفته شده، مثل همین پیشدانی خدا و تقدیر او پیش از آفرینش. من به حال اهمیت می‌دهم. ضمن اینکه نکته‌ای هم در آن نمی‌بینم که بخواهم در مورد این‌گونه آموزه‌های کتاب‌مقدس، مانند پیشدانی و از پیش تعیین شدن بحث و گفتگو کنم».

برخی از شما نیز شاید بگویید: «بی‌تعارف! من نمی‌خواهم مانند مسیح باشم. چون یکی از چیزهایی که او هرگز تجربه نکرد، رابطۀ جنسی بود. ضمن اینکه او بدجور جدی بود؛ و مطمئن نیستم که آیا اصلاً اوقات خوشی هم داشته؟ او آن‌قدر جنجال‌برانگیز بود که خود را به کشتن داد. حال قرار است شبیه شدن به عیسی، این اطمینان را به من بدهد که همه‌چیز برای خیریت من در کار است؟ اصلاً حرفش را نزن! این عملی نیست».

بگذارید در مورد این دو دیدگاه صحبت کنیم.

**«برای من مهم نیست که در گذشته، چه تصمیماتی گرفته شده»**

اگر امروز یک نفر نزد شما می‌آمد و می‌گفت که قرار است یک میلیون دلار به شما بدهد، حق داشتید که باور نکنید و برایتان شک‌برانگیز باشد. حال اگر کاغذی چین و چروک خورده و قدیمی را به شما نشان داده و می‌گفت: «پدر من که مردی ثروتمند بود، چند ماه پیش از دنیا رفت؛ و وصیت کرد که شما وارث یک میلیون دلار از دارایی او باشید»، آیا در پاسخ می‌گفتید: «برای من مهم نیست که در گذشته‌های دور، چه تصمیماتی گرفته شده، من به حال اهمیت می‌دهم؛ ضمن اینکه وارسیِ مدارک قدیمی، به ویژه وصیت‌نامه و اموری از این دست، می‌تواند خیلی جنجال‌آفرین باشد. پس بهتر است این یک میلیون دلار را فراموش کنیم.» به شما قول می‌دهم آنچه خدا از قبل می‌داند؛ و از پیش معین نموده، ده هزار مرتبه بیشتر از آن میراث یک میلیون دلاری، به زندگی شما ربط دارد.

**«من نمی‌خواهم مانند مسیح باشم»**

و اگر می‌گویید: «بی‌تعارف! من نمی‌خواهم مانند مسیح باشم»، به این دلیل است که هم طرز فکر شما دربارۀ این شباهت اشتباه است؛ و هم بسیار محدود و کوته‌بینانه به آن می‌نگرید. وقتی زندگی‌تان به پایان رسد، چطور؟ آیا می‌خواهید وقتی که از دنیا می‌روید، مانند مسیح باشید: آیا می‌خواهید داور عالم هستی، شما را رد کند؛ و به مجازات جاودانه محکوم شوید، چرا که پسر او را رد کرده‌اید؟ یا که می‌خواهید از مردگان برخیزید و محبت شوید و پذیرفته گردید؟ آیا می‌خواهید مانند مسیح از مردگان قیام کنید، یا می‌خواهید بی‌شباهت به مسیح، بمانید و هلاک گردید؟ این پرسشی ناچیز و کم‌اهمیت نیست. از شما استدعا می‌کنم که گوش فرا دهید.

پس بیایید ابتدا اولین و دومین عملکرد خدا را که در گذشته‌های دور روی داده است، بررسی نموده، و سپس به این نگاه کنیم که خدا امروز و فردا چه خواهد کرد.

**«زیرا آنانی را که از قبل شناخت»**

آیۀ ۲۹: «زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند.» «از قبل شناخت» به چه معناست؟ برخی بر این اعتقادند که خدا صرفاً از پیش می‌داند که چه کسانی به او ایمان می‌آورند؛ و همانها را از پیش مقدّر می‌کند که به شباهت عیسی درآیند. اما این فرضیه، به دو نکتۀ اشتباه اشاره می‌کند. یکی اینکه، این فرضیه، آن ایمانی را که خدا از پیش می‌داند، بی‌چون و چرا کار ما به حساب می‌آورد، نه کار خدا؛ یعنی در نهایت این ما هستیم که ایمان می‌آوریم. به بیان دیگر، نکتۀ چنین تفسیری این می‌باشد که خدا باعث و بانی ایمان ما نیست، بلکه او فقط ایمانی را که ما در خود می‌پرورانیم، از پیش دانسته و آن را پیش‌نگری می‌کند.

و این چیزی نیست که کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد. نه در آیات نامبرده چنین چیزی می‌بینیم؛ و نه در هیچ کجای دیگر (فیلیپیان ۱:‏۲۹؛ افسسیان ۲:‏۸-‏۹؛ دوم تیموتائوس ۲:‏۲۴-‏۲۶؛ متی ۱۶:‏۱۷). وقتی پولس در رومیان ۸:‏۳۰ می‌نویسد: «آنانی را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند؛ و آنانی را که خواند، ایشان را نیز عادل گردانید»، منظورش این است که همۀ خوانده‌شدگان، عادل محسوب می‌شوند، ولی برای عادل شمرده شدن، باید که ایمان بیاوریم (رومیان ۵:‏۱). بنابراین، نکتۀ پولس این است که همۀ کسانی که خوانده می‌شوند، ایمان می‌آورند و عادل شمرده می‌شوند. اما او چگونه می‌تواند بگوید که «همۀ» خوانده‌شدگان، ایمان می‌آورند؟ سعی من این است که با توضیح عبارت «خوانده شده‌اند» در آیۀ ۲۸، به این پرسش پاسخ دهم. این خواندگی، کار قدرتمند خداست که آنچه را خواستارش است به انجام می‌رساند. این یک خواندگی ثمربخش و موثر است، این خواندگی است که به هر چیزی حکم می‌کند، آن چیز به وجود آمده، و به ثمر می‌نشیند؛ همانند زمانی که فرمود: «ایلعازر، بیرون بیا!»؛ و آن مرده زنده گشت. پس نکته این است که ایمان آوردن به منظور عادل شمرده شدن، چیزی نیست که من به قوت خود انجام دهم، بلکه این خداست که مرا قادر می‌سازد و به من توانایی می‌بخشد؛ و من باید آن را به‌جا آورم. ایمان آوردن، عمل من است، اما این عمل، هدیۀ خداست؛ و اعتبار اصلی از آنِ من نیست. من برای این ایمان، شکرگزار خدا هستم. از ابتدا تا انتها، این فیض حاکمانه و مقتدرانه بوده که مرا نجات بخشیده است.

پس این فرضیه اشتباه است که برخی معتقدند وقتی رومیان ۸:‏۲۹ می‌فرماید که «خدا از قبل شناخت»، منظور این است که او صرفاً از پیش می‌دانست که آنها با قدرت و توانایی خودشان، ایمان می‌آورند. این خداست که قدرت می‌بخشد؛ در نتیجه، موضوع فقط این نیست که خدا آنچه را که ما انجام می‌دهیم، صرفاً از پیش می‌داند.

حال، دیگر فرضیۀ اشتباه را بررسی نماییم. این فرضیه معتقد است که عبارت «از قبل شناختن»، به همان مفهومی نیست که در بسیاری دیگر از آیات عهد‌عتیق و عهد‌جدید نیز به کار رفته است؛ یعنی همان مفهومی که به معنی و مفهوم متن مورد نظر انسجام می‌بخشد. به آیاتی که واژۀ «شناختن» را به کار برده‌اند، توجه کرده و معنای آنها را از خود سوال نمایید. در پیدایش ۱۸:‏۱۹، خدا دربارۀ ابراهیم می‌فرماید: «او را می‌شناسم، که فرزندان و اهل خانۀ خود را بعد از خود امر خواهد فرمود، تا طریق خداوند را حفظ نمایند.» تقریباً همۀ نسخه‌های دیگر، این‌ آیه را چنین ترجمه کرده‌اند: «او را برگزیده‌ام.» خدا در عاموس ۳:‏۲، به قوم اسراییل می‌فرماید: «من شما را فقط از تمامی قبایل زمین شناختم.» او همۀ قومها را می‌شناخت، اما فقط قوم اسراییل را انتخاب نمود. عیسی در انجیل متی ۷:‏۲۳، خطاب به ریاکاران در روز داوری چنین می‌فرماید: «هرگز شما را نشناختم. ای بدکاران از من دور شوید!». مزمور ۱:‏۶ می‌فرماید: «خداوند طریق عادلان را می‌داند؛ ولی طریق گناهکاران هلاک خواهد شد.» او از طریق شریران نیز آگاه است، اما طریق عادلان را به این معنا می‌شناسد که آن را تأیید و تصدیق نموده و دوست می‌دارد. خدا در هوشع ۱۳:‏۵، به قوم اسراییل می‌فرماید: «من تو را در بیابان، در زمین بسیار خشک شناختم.» یعنی که او به گرفتاری و فلاکت تو توجه کرد و به فریاد تو رسید؛ و پیدایش ۴:‏۱ می‌فرماید: «و آدم، زن خود حوا را بشناخت؛ و او حامله شده، قائن را زایید.» آدم، حوا را از آنِ خود کرده، به او محبت می‌ورزید و دوستش می‌داشت.

با توجه به همۀ این آیات، فکر می‌کنم کاملاً حق با جان استات و جان موری باشد: (واژۀ «شناختن»، به شکلی به کار رفته که عملاً مترادف و هم‌معنی با «محبت» است . . . بنابراین، عبارت «آنانی را که از قبل شناخت»، تقریباً به این معناست: «آنانی را که از قبل محبت نمود.» پیشدانی؛ یعنی، محبت مطلق و مقتدرانه و متمایز کننده) (جان استات؛ نقل قول از موری؛ رومیان، صفحۀ ۲۴۹). این پیشدانی، مانند این است که محبت خود را بر چیزی قرار داده، و آن را برای خود برگزینید.

بنابراین، مفهوم نخستین عملکرد خدا در رومیان ۸:‏۲۹، این است که خدا از پیش می‌داند که خاصّانش چه کسانی هستند؛ به این معنا که آنها را برگزیده، محبت کرده و مراقبت می‌نماید. پولس در آیات بعدی که به آموزۀ «برگزیدن»، یا «انتخاب کردن» پرداخته (رومیان ۸:‏۳۳؛ ۹:‏۱۱؛ ۱۱:‏۵، ۷)، در این مورد توضیح داده است.

اگر شما جزو خوانده‌شدگان هستید و خدا را دوست می‌دارید، همه‌چیز با هم برای خیریت شما در کار است، چرا که همان‌طور که آیۀ ۲۹ می‌فرماید، خدا پیش از بنای عالم (افسسیان ۱:‏۴؛ دوم تیموتائوس ۱:‏۹؛ اول پطرس ۱:‏۲۰؛ مکاشفه۱۳:‏۸؛ ۱۷:‏۸)، شما را شناخته و برگزیده و محبت نموده است.

**«پیش معین فرمود»**

«از پیش معین فرمود»، دومین کاری بود که خدا در گذشته‌های دور به انجام رسانید، تا وعدۀ «همه‌چیز برای خیریت ما در کار خواهد بود» را قطعی سازد. «زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود.» این عبارت صرفاً به این معناست که خدا حتی پیش از آفریدنتان، شما را برای خودش برگزیده، و محبت و توجه و مراقبتش را بر شما قرار داده، و تصمیم گرفته که به چه صورت باشید؛ یعنی که به تصویر پسرش متشکل گردید.

«پیش معین فرمود»، به این معناست که سرنوشت شما پیش از این مقرر و مقدّر شده است. این آیه، بنیان و زیربنای محکمی برای وعدۀ رومیان ۸:‏۲۸ می‌باشد، چرا که برای آنانی که خدا را دوست می‌دارند و بر حسب وعدۀ او خوانده شده‌اند، مقدّر شده است که مانند عیسی باشند؛ یعنی، مقدّر شده که به شباهت مسیح درآیند. همه‌چیز با هم برای خیریت شما در کار است، چرا که پیش از آفریده شدنتان، خدا شما را برگزیده و محبت نموده است؛ و این برگزیدن و محبت نمودن، خود را در آینده‌ای مقدّر شده برای شما نمایان می‌سازد، که عظمت آن در وصف نمی‌گنجد؛ آینده‌ای که مقدّر شده، تا به شباهت مسیح درآیید. همه‌چیز برای خیریت شما در کار است، زیرا همه‌چیز در کار است تا شما را مانند عیسی سازد. به همین منظور، محبت شدید؛ و به همین منظور، از پیش معین گشتید.

این همان یک میلیون دلاری است که در وصیت‌نامۀ پدر دوست شما درج شده بود. درست همان‌طور که آن بندِ قانونی و لغوناپذیر از وصیت‌نامه، ثروتمند شدن شما را در این دنیا تضمین می‌کند، پیشدانی و تقدیر لغوناپذیر خدا نیز، جلال و شادی جاودانه‌تان را تضمین می‌نماید.

**«تا ما را به تصویر پسرش تبدیل نماید»**

دوباره به موضوعی بازمی‌گردیم که پیشتر به آن اعتراض شده بود. شاید مانند عیسی بودن، مايۀ شادی و خرسندی نباشد، شاید شبیه شدن به عیسی، رنج و سختی زمان حاضر را، در قیاس با آن جلالی که ظاهر خواهد شد، هیچ نکند. پس باید به آخرین عملکرد خدا رجوع نماییم، که در آیۀ ۲۹ بدان اشاره شده است: خدا در کار است، تا ما را «به صورت پسرش متشکل سازد؛ تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد».

و برای بررسی این آیه، باید که به دو دلیل، تا هفتۀ آینده صبر کنیم: دلیل اول اینکه وقتمان تمام شده، و دیگر اینکه به شباهت مسیح درآمدن در آیۀ ۲۹، و جلال یافتن در انتهای آیۀ ۳۰، کاملاً به هم مربوط بوده، و کل پیغام هفتۀ آینده را در بر می‌گیرند.

اما اجازه دهید با گفتاری مختصر دربارۀ متن امروز، و شبیه شدن به مسیح، این پیغام را خاتمه دهم. ربطِ صحبتم این است که تا وقتی فکر شما به شباهت فکر مسیح درنیاید، شاید که این تعلیم بیشتر کلنجارآفرین باشد تا تسلی‌بخش. هدف و نیّت این آیه‌ها آن است که به شما تسلی و قوت و اطمینان بخشد، که بهترین و بدترین وقایعِ زندگی‌تان، به خیریت شما خواهند بود، چرا که مسیح را دوست دارید؛ و به منظور جلال یافتن، برگزیده و از پیش معین گشته‌اید؛ اما تأثیر این آیه‌ها فقط زمانی کارساز خواهد بود که خدا میزانی از فکر و روح مسیح را به شما عطا نماید.

منظورم این نیست که شما را سرزنش یا محکوم کنم که چرا با این موضوع کلنجار می‌روید. اتفاقاً برعکس، این را می‌گویم تا شما را تشویق کنم که بدانید درست همان‌گونه که اگر می‌خواهید از نظر رفتار و کردار، به شباهت عیسی درآیید، باید که همۀ عمر با اعمال نادرست بجنگید؛ و اگر می‌‌خواهید که در احساسات و عواطفتان به شباهت عیسی درآیید، باید که همۀ عمر، با احساسات نادرست بجنگید؛ به همین نسبت، اگر می‌خواهید که از نظر ذهنی، به شباهت او درآیید، لازم است که همۀ عمر، با افکار نادرست مبارزه نمایید. پس هرگز از این تعجب نمی‌کنم که بعضی افراد، در خصوص تعالیم دشوارترِ کتاب‌مقدس لغزش می‌خورند. یک باره نمی‌توان به شباهت مسیح درآمد؛ نه رفتار و احساساتمان به یک مرتبه شبیه او می‌گردند؛ و نه طرز فکرمان.

پس بیایید برای یکدیگر دعا کنیم که در روند شبیه شدنمان به مسیح، در هر قدمی، او تمجید گردد؛ و ما از این اطمینانِ محکم و پابرجا لذت ببریم، چرا که به سبب برگزیدگی و از پیش تعیین شدنمان، همه‌چیز با هم برای خیریت ما در کار است؛ و اگر شما کنجکاوید که بدانید آیا جزو برگزیدگان، و از پیش تعیین شدگان، و خوانده‌شدگان هستید، این‌گونه می‌توانید به جواب برسید: آیا بیش از هر چیز دیگر، مشتاق عیسی هستید؛ و برای نجات از گناهانتان، به او بسنده می‌کنید؛ و او را تا ابد، خشنودی دل خود می‌بینید؟ اینها نشانه‌های یک فرزند خداست. آن که پسر را دارد، حیات را دارد (اول یوحنا ۵:‏۱۲). به آن کسانی که او را قبول کردند، قدرت داد تا فرزندان خدا گردند (یوحنا ۱:‏۱۲). او را قبول کنید!